



تا آنجا که به تغییرات واقعی - و نه صوری - انتقال قدرت" توسط امپریالیسم امریکا به "مردم عراق باز می گردد، جای هیچ شک و شبهه ای باقی نیست: ۱۵۰ هزار نیروی اشغالگر و ضدخلقی امریکا در عراق باقی می ماند. انحصار قراردادهای ظالمانه اقتصادی برای غارت و چپاول توده های تحت ستم همچنان در اختیار امریکا و شرکاست و برای مردم تحت ستم و رنج دیده عراق فقر و بیکاری و گرسنگی و اشغال همچنان تنها چشم انداز واقعی در آینده می باشد.

(ادامه مطلب در صفحه ۲)

عراق: قدرت واقعی در دست کیست؟

"مبارزاتی" وی است - را به عنوان "دولت دمکراتیک" عراق، نماینده رأی مردم در افکار عمومی جایزنند. اما در ورای تمامی این هیاهوها و فریادهای "برقراری دمکراسی" در عراق یک پرسش اساسی همچنان بدون جواب باقی ماند. به راستی چه تغییر واقعی ای با "انتقال قدرت" به شیوه کنونی در زندگی مردم ستم دیده عراق ایجاد شده است؟ و تغییرات فوق در نتیجه رشد کدام عوامل ضرورت یافته اند؟

روز دوشنبه ۲۸ جون پس از ملاقات بین "پل برمر"، حاکم امریکایی عراق با "ایاد علاوی"، نخست وزیر دست نشانده امریکا برای این کشور، اعلام شد که نیروی اشغالگر امریکا "قدرت" را دو روز پیش از موعد مقرر در ۳۰ ژانویه به باصلاح نمایندگان مردم عراق "تحویل" داده اند. دو مقام نامبرده سپس با لبخند جلوی دوربین ها قرار گرفته و در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک اعلام کردند که از این "انتقال قدرت" "خرسندند" و آن را به مردم عراق "تبریک" گفتند. بلافاصله پس از این واقعه نیز پل برمر، با هلی کوپتر از مقر خود در بغداد گریخته و تحت تدابیر بسیار شدید امنیتی در همان روز به سوی امریکا پرواز کرد. "نخست وزیر" عراق نیز با تأکید بر اینکه "تأمین اطلاعاتی غرب از زمره افتخارات

تمهیدات سرکوبگرانه حکومت

در آستانه ۱۸ تیر!

در آستانه پنجمین سالگرد جنبش دانشجویی - مردمی تیر ماه ۱۳۷۸، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در هراس از وقوع اعتراضات مردمی بر علیه نظام، به شدت بر دامنه اقدامات سرکوبگرانه و پیشگیرانه خویش افزوده است. در ارتباط با این قضیه در روزهای اخیر در خیابان های شهرهای بزرگ و به ویژه در تهران به طور قابل ملاحظه ای بر دامنه حضور مزدوران با اونیفورم و لباس شخصی حکومت افزوده گشته است.

(ادامه مطلب در صفحه ۳)

افزایش شدید

"کودکان خیابانی"



سال جاری تاکنون "۲۵۵ کودک خیابانی" دیگر تنها در استان خراسان "شناسائی" شده اند که این آمار در مقایسه با مدت مشابه قبل نشانگر یک افزایش ۳۵ درصدی است. به گفته رمضانعلی قادری، کارگزار رژیم در این سازمان، هم اکنون

"کودکان خیابانی" در شهر های بزرگ افزوده

می گردد. در همین رابطه اخیرا معاون اجتماعی سازمان بهزیستی استان خراسان عنوان کرد که از ابتدای

به موازات رشد سرسام آور فقر، گرسنگی و بیکاری و گرانی در نظام سرمایه داری وابسته در کشورمان و اعمال سیاست های ضدخلقی جمهوری اسلامی در گسترش و تشدید این مصائب، هر روز بر تعداد

(ادامه مطلب در صفحه ۳)



عراق: قدرت واقعی در...

(بقیه از صفحه ۱)



کردن افکار عمومی و به ویژه منحرف کردن مبارزات مردمی، صورت می‌گیرد.

دولت امریکا و شرکاء این جلادان شناخته شده خلق های تحت ستم امیدوارند تا با به جلو راندن عروسک خیمه شب بازی ای به اسم "دولت عراق" اینگونه جلوه دهند که عراق همچون مورد افغانستان و دولت مترسکی کرزای، در واقع توسط خود "عراقی ها" اداره می شود. آنها با این تاکتیک می کوشند تا ضمن فریفتن افکار عمومی از شدت مخالفت جنبش توده های ستمدیده و به پا خاسته عراق و مخالفت های سایر رقبای غارتگر خویش بکاهند و این مخالفت ها را مهار کنند.

اما شکست این تلاش ها از هم اکنون روشن شده است. تداوم مبارزات و مقاومت های مردم عراق بر علیه ارتش متجاوز امریکا در روزهای اخیر به روشنی نشان می دهد که توده های ستمدیده به رغم مانور اخیر و به رغم تمامی هیاهوی مرتجعین در باب "انتقال قدرت" می دانند که قدرت واقعی در کشورشان همچنان در دست ارتش متجاوز امپریالیسم امریکا و دست نشاندهگان آنهاست.



با توجه به این واقعیت، بیرون راندن این ارتش و برکنند سلطه امپریالیسم و مزدورانش در هر لباس و در هر شکلی شرط اول نیل به دموکراسی واقعی و عدالت اجتماعی برای کارگران و زحمتکشان عراق است. ■

در دست نیروهای امریکایی زیر شکنجه قرار دارند و بیش از ۱۱ هزار تن از توده ها در طول این مدت توسط سربازان جلاد امریکایی کشته شده اند. در این حال مقاومت مسلحانه مردم بر علیه اشغالگران با شدت تمام ادامه دارد و روزی نیست که سربازان امریکایی و یا مزدوران ارتش امریکا و شرکاء در معرض حملات مرگبار مخالفین مسلح و مردم مبارز قرار نگیرند. مضافا آنکه فشار افکار عمومی در غرب بر دولت بوش و بلر برای پایان جنگ و ترک عراق و هزینه های سرسام آور این جنگ به ویژه با توجه با رو شدن دروغ های آنان به مردم در رابطه با توجیه این جنگ هرچه بیشتر شده است. در عین حال در چارچوب فوق، تضادهای بین اردوگاه امپریالیست ها و به خصوص بین دولت های غارتگری که با اشغال عراق توسط امریکا و انگلیس منافع ضدخلقی خویش در عراق را از دست رفته می بینند نیز تشدید شده و مخالفت های آنان با کنترل مطلق امریکا در مسائل عراق دولت بوش را در زیر فشار فزاینده بین المللی قرار داده است. در چنین شرایطی روشن است که انتقال ظاهری قدرت از دست مقامات امریکایی به سگان زنجیری شناخته شده امریکا نظیر ایاد علاوی و شرکاء در عراق - آن هم در چارچوب قوانین غیرقابل لغو حاکم امریکا - مانوری است که با هدف تخفیف این فشارها از امپریالیسم امریکا و منحرف

دستگاه های کلیدی دولت عراق نیز صادق است.

با توجه به ماهیت ضدخلقی این "احکام مطلقه" - که حتی بسیاری از دیکتاتورترین و منفورترین مقامات و دولت های فاسد و وابسته در گوشه و کنار دنیا جرأت اعمال یک باره آنها را ندارند - است که می توان فهمید ادعای "انتقال دمکراتیک قدرت" آن هم به "مردم عراق" توسط اشغالگران امریکایی تا چه حد پوچ و عاری از حقیقت است.

اما در توضیح عوامل و تضاهایی که دولت بوش را ناگزیر از مبادرت به تاکتیک انتقال قدرت - البته به شیوه توضیح داده شده در فوق - در عراق نمود باید به شرایطی که امپریالیسم امریکا را در عراق احاطه کرد توجه نمود. واقعیت این است که ۱۵ ماه پس از اشغال عراق، به رغم تمامی جنایات و سرکوبگری های ارتش متجاوز امریکا در حق توده های ستمدیده این کشور، امپریالیسم امریکا نتوانسته است تا پایه های تسلط مستقیم خود را در عراق مستحکم سازد.



فقر و بیکاری و گرسنگی و کمبود طبیعی ترین امکانات اولیه زندگی در عراق بیداد می کند. هزاران تن از مردم در سیاهچال های صدام ساخته و

از سوی دیگر در میان تمامی این هیاهو و جنجال در مورد "احترام امریکا به حق حاکمیت مردم عراق روشن شده است که جناب پل برمر درست قبل از به اصطلاح انتقال قدرت به مردم عراق و فرار از این کشور، به صدور "۹۷ حکم" دست یازیده که توسط هیچ دولت و مقام عراقی و یا نمایندگان آن که حتی در آینده از سوی مردم این کشور انتخاب شوند "قابل تغییر" نخواهد بود. مطابق این تصمیم گیری ها، دولت کنونی عراق در زمینه های اساسی اقتصادی - سیاسی و اداری کاملا مطابق چهارچوب ها و سیاست های امپریالیسم امریکا حرکت خواهد کرد و قدرت لغو این سری از قوانین را نیز نخواهد داشت. به طور مثال پل برمر برای هر یک از وزارتخانه ها در امور ارتباطات، رادیو، بورس، اوراق بهادار و... بازرسی غیرقابل عزل را منصوب کرده است. همچنین مطابق "احکام" پل برمر، یک "کمیته ویژه" در "انتخابات" آتی عراق تشکیل خواهد شد که حق دارد هر یک از شخصیت ها و یا احزاب و نمایندگان مردم را از شرکت در انتخابات محروم کند. همچنین مطابق این احکام، روسای امنیت ملی و سازمان اطلاعات عراق نیز به مدت ۵ سال و از میان شخصیت های مورد تأیید خود برمر منصوب شده و حتی نخست وزیر و رئیس جمهور عراق نیز قادر به عزل آنها نیستند. همین امر در مورد انتصاب مهره های مزدور امریکا در سایر

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش!



در آستانه ۱۸ تیر!

(بقیه از صفحه ۱)



به اقدامات سرکوبگرانه انجام شده برای جلوگیری از تجمعات دانشجویان مبارز برای همپالگی های خویش توضیح دهد. یونسی عنوان داشت که "تمهیدات لازم برای روز ۱۸ تیر پیش بینی شده". وی تصریح کرد که "ما اصلا نگران نیستیم. ضمن اینکه تجارب گذشته را هم داریم".

شان همواره می کوشند ماسک طرفداری از "دانشجویان" و "جوانان" بر چهره کریه شان بزنند در روزهای اخیر با قاطعیت تمام اعلام کرده اند که هیچ "مجوزی" را برای برگزاری مراسم دانشجویی حتی برای نهادهای دانشجویی رژیم ساخته نیز صادر نخواهند کرد.

در همین رابطه یونسی، وزیر اطلاعات مزدور دولت خاتمی، نیز به صحنه آمده و در تاریخ ۹ تیر در جلسه کمیسیون امنیت مجلس سعی کرد تا ضمن دادن اطمینان خاطر به مقامات وحشت زده رژیم راجع

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی با گسترش حضور علنی و غیرعلنی مزدوران خود در خیابان های منتهی به دانشگاه تهران و در درون خوابگاه ها نیز به گونه ای سیستماتیک به ایجاد مزاحمت برای دانشجویان و جوانان پرداخته است. حکومت کوشیده است تا با توسل به این رویه و با گستردن سایه رعب و وحشت و اختناق، فضا را مختنق ساخته و دانشجویان و مردم معترض و خشمگین را منکوب و مرعوب سازد. همچنین مقامات و کارگزاران دولت خاتمی فریبکار که برای پیشبرد مقاصد سرکوبگرانه

افزایش شدید

"کودکان خیابانی"

(بقیه از صفحه ۱)



تدریجی حیات و معاش اکثریت فزاینده ای از توده های فقیر و بی چیز می گردیم و رشد بی سابقه کودکان خیابانی تنها یکی از نتایج هولناک ولی طبیعی چنین اوضاع دهشتباری ست. به این ترتیب است که امروزه در چارچوب حکومت جنایتکارانه رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی حضور دردناک هزاران کودک ژنده پوش گرسنه و بی سرپناه و بدون هیچ حمایتی در حال کار، گدائی، قاچاق، دزدی و ... زینت بخش این نظام منفور گشته است. اطفال معصوم و بیگناهی که به جای برخورداری از آغوش گرم خانواده و به جای تحصیل و آموزش، در گوشه و کنار خیابان ها رها شده و به دنبال تکه نانی برای سیرکردن خود تحت استثمار و بهره برداری های وحشتناک قرار می گیرند و گاهی حتی بدن آنها توسط سوداگران انسان قطعه قطعه شده و به عنوان کالا صادر می شود. هم اکنون هزاران کودک خیابانی در ایران وجود دارند که هر روز بر تعداد آنها افزوده می گردد.

اجتماعی ضدمردمی و سرکوبگرانه این رژیم که صرفا در پیشبرد خط ویران کننده دولت ها و نهادهای امپریالیستی جهانخوار در جامعه تحت سلطه ما اتخاذ می گردند، قوانینی که به طور روزمره و با حمایت پنجه آهنین دستگاه سرکوب، تنها و تنها به منظور حفاظت از منافع سرمایه داران زالوصفت بر علیه اکثریت عظیم توده های تحت ستم تصویب می شوند، اقداماتی نظیر اخراج سازی های وسیع کارگری، قطع کمک ها و مزایای ناچیز دولتی و غیره، همه و همه در یک روند دائمی باعث سیر صعودی هولناک بیکاری، فقر، گرانی، تورم و گرسنگی و فشار بار آن برگرده خانواده های کارگری و محروم می گردند. تحت تأثیر چنین روندی ست که ما شاهد پروسه فروپاشی و نابودی

"۲۰۰۰ کودک خیابانی" در استان خراسان وجود دارند که ۶۰ درصد آنها "کودکان افغانه" هستند و ۸۰ درصد "این رقم شامل "کودکان کار" می باشد. "کودکان کار" در جمهوری اسلامی به بچه هایی اطلاق می گردد که به دلیل فقر و محرومیت و بیکاری و گرسنگی خانواده هایشان، مجبور به کار در سنین بسیار پائین، آنها در شرایط بسیار طاقت فرسا و شاق به منظور یافتن لقمه نانی هستند. معضل "کودکان خیابانی" یکی دیگر از تجلیات دردناک و ضدخلقی حاکمیت استثمار گرانه نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در ایران است که به ویژه تحت تأثیر سیاست های ضدخلقی جمهوری اسلامی در سال های اخیر ابعاد فزاینده و هولناکی یافته است. سیاست های اقتصادی-

"بحران" ۳۵ هزار شناسنامه

(بقیه از صفحه ۴)

دیگر ماهیت انتخابات به سیاق جمهوری اسلامی را نشان می دهد، بلکه ثابت می کند که استخراج میلیون ها رأی به نام مردم توسط این رژیم، حاصل چه نوع فعالیت های انتخاباتی ست. شایان ذکر است که در جریان خیمه شب بازی انتخاباتی اخیر حکومت که با بی اعتنائی هرچه گسترده تر مردم روبرو گشت، رو شد که میزان آراء اعلام شده در بسیاری از شهرها، به ویژه شهرهای کوچک، بیشتر از تعداد واقعی واجدین رأی در این نقاط بوده است.

انتخاباتی جمهوری اسلامی در طول ۲۵ سال گذشته، دیکتاتوری حاکم با استفاده از عواملی نظیر فریب و ترس و نیاز و همچنین با پر کردن صندوق های مارگری و سپس با اعلام شرکت "میلیونی" مردم، کوشیده است تا به انتصابات خویش رنگ و لعاب "انتخاباتی" داده و خود را حکومتی به اصطلاح دمکراتیک و مبتنی بر رأی توده ها نشان دهد. اعلام کشف ۳۵ هزار شناسنامه جعلی در جریان "انتخابات مجلس"، آن هم در یک شهرستان کوچک نه تنها یکبار

در این مورد دارای "فراز و نشیب های زیادی" بوده و نهایتا نیز از مجموع ۵ متهم دستگیر شده به اتهام جعل ۳۵ هزار شناسنامه به منظور رأی سازی در "انتخابات" مجلس هفتم، ۳ نفر "آزاد" شده اند و فعلا هم تنها ۲ نفر در بازداشت مقامات به سر می برند. این حقیقت مسلمی است که در جریان تمامی خیمه شب بازی های

به رغم آنکه دادستان اسلامشهر کوشید تا در اعلام خبر فوق ضمن سالم نشان دادن "انتخابات" در جمهوری اسلامی اینگونه جلوه دهد که رژیم جمهوری اسلامی "مخالف" هرگونه تقلبات انتخاباتی بوده و در صدد برخورد جدی با "مجرمان" این پرونده می باشد، اما در ادامه اظهارات او معلوم شد که "تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات"



گوشه ای از اعتراضات کارگری

با بالا گرفتن بحران اقتصادی در نظام سرمایه داری در سطح بین المللی و تلاش سرمایه داران زالو صفت و دولت های حامی آنان در سرشکن کردن بار کمربند این بحران بر دوش کارگران و خلق های ستمدیده، موجی از اعتصابات و حرکت های اعتراضی کارگری کشورهای مختلف را دربر گرفته است. در جریان این اعتراضات، کارگران و زحمتکشان مبارز برای بهتر شدن شرایط کار و احقاق حقوق عادلانه خویش به پا خاسته اند. آنچه در زیر می آید نمونه های کوچکی است که گوشه ای از دامنه حرکات اعتراضی و برحق کارگران و زحمتکشان را در ماه های اخیر منعکس می کند:

نروژ

کارگران نفت نروژ در تاریخ ۲۳ جون اعتصابی را شروع کردند که به کاهش تولید نفت به مقدار ۳۷۵۰۰۰ بشکه در روز منجر شد. قرار بود که این اعتصاب فقط ۶ روز طول کشیده و کارگران در این مدت به مذاکره با دولت بپردازند. اما چون از طرف دولت اقدامی در جهت پاسخگویی به درخواست های عادلانه کارگران صورت نگرفت، کارگران در تاریخ ۲۵ جون رأی به ادامه اعتصاب دادند و تعداد بیشتری از کارگران پالایشگاه های مختلف نیز به اعتصاب پیوستند. هم اکنون میزان کاهش تولید نفت به ۷۱۵۰۰۰ بشکه در روز رسیده است. نروژ یکی از صادرکنندگان مهم نفت در جهان است و تولید روزانه ای معادل ۳ میلیون بشکه در روز دارد. درآمد حاصل از صدور نفت حدود ۲۰ درصد سود ناخالص ملی نروژ را تشکیل می دهد.

اعتصاب غذا در معادن روسیه

کارگران معدن منطقه Rakovsky در روسیه، به دلیل عدم دریافت حقوق به مدت چندین ماه، دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب در تاریخ ۱۹ جون شروع شد. کارگران در ماه مه نیز به اعتصاب غذا دست زده بودند که فقط منجر به دریافت حقوق های عقب افتاده بخش کوچکی از کارگران شد.

اسرائیل

۷۰۰ کارگر و کارمند دون پایه بانک Tefahot در اسرائیل بدون اطلاع قبلی از تاریخ ۲۰ جون به اعتصاب دست زدند. در اثر این اعتصاب تمام ۴۰ شعبه این بانک تعطیل شدند. سهامداران و مالکین این بانک بدون اطلاع دادن به اتحادیه های کارگری اقدام به الحاق این بانک به یک بانک بزرگتر کرده و در نتیجه با این اقدام، تعداد بسیار زیادی از کارگران در معرض اخراج قرار گرفته اند. علاوه بر این اخراج های ناگهانی که در اثر ادغام مذکور در آینده نزدیک رخ خواهد داد، صاحبان بانک ها از مدت ها قبل نیز به تدریج اقدام به جایگزینی

کارگران و کارمندان تمام وقت با کارگران قراردادی و نیمه وقت کرده اند.

کانادا

۸۲ کارگر کارخانه برق شهر سادبری (Sadbury) در روز ۱۹ جون، برای اعتراض به قطع مزایای مختلف و کاهش حقوق بازنشستگی دست از کار کشیده و اعتصاب نامحدودی را آغاز کردند.

۷۴ کارگر شهرداری در شهر نلسون در ایالت بریتیش کلمبیا نیز، که در اواخر ماه مه در مذاکره با شهرداری برسر افزایش حقوق به توافق نرسیده بودند، از ۱۸ جون اعتصاب نامحدودی را شروع کردند. هنوز شهرداری اقدام به مذاکره مجدد با کارگران نکرده و آنها را تهدید به اخراج نیز کرده است.

کلمبیا

در تاریخ ۲۷ ماه مه، ۱۶ هزار کارگر مزارع موز در منطقه "اروبا" (کلمبیا) اعتصاب نامحدودی را آغاز کردند. اعتصاب کنندگان خواهان ۹ درصد افزایش حقوق و بهتر شدن وضعیت بهداشت، تحصیل، مسکن و غیره هستند. این اعتراض در شرائطی صورت گرفت که کمپانی های بزرگی مثل "چکیتا" (آمریکایی) و "فای فی" (ایرلندی) با استفاده از قدرت انحصاری خود در بازارهای جهانی، قیمت های بسیار نازلی را به تولیدکنندگان بومی تحمیل کرده و آنها نیز مستقیماً ضررهای خود را (که به عنوان مثال سال گذشته حدود ۸ میلیون دلار بود) با کاهش حقوق کارگران، جبران می کنند. کلمبیا پس از اکوادور و کاستوریکا، سومین تولیدکننده موز جهان است و ۹۰ درصد موز این کشور در منطقه اروبا تولید می شود.

از طرف دیگر سالهاست که کارگران مبارز در منطقه اروبا هدف عملیات تروریستی و جنایات گروه های شبه نظامی که از جانب سرمایه داران محلی و امپریالیست ها حمایت می شوند قرار گرفته اند. اتحادیه کارگران مزارع موز از قربانیان اصلی این مزدوران هستند. از سال ۱۹۸۹ تاکنون حدود ۴۰۰ نفر از این کارگران توسط گروه های شبه نظامی دست راستی به قتل رسیده اند.

مکزیک

۱۰ هزار کارگر کارخانه فولکس واگن در شهر "پوبلا" پس از پایان مذاکره با کارفرما و نرسیدن به نتیجه مطلوب اعلام کردند که از ۱۸ آگوست دست به اعتصاب خواهند زد. یکی از خواسته های کارگران ۸.۵ درصد افزایش حقوق است که با توجه به افزایش سود کارخانه در سال جاری رقم قابل توجه ای نیست.

هلند

روز دوشنبه ۷ ژوئن، بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران بندر "روتردام" در هلند دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در اعتراض به قوانین جدید بازنشستگی که مزایای کمتری را برای کارگران در بر دارد، صورت گرفته است.

در همین تاریخ تعدادی از کارکنان راه آهن هلند نیز تظاهراتی را در محل اداره ی مرکزی راه آهن در شهر "اوترخت" هلند برگزار کردند. این تظاهرات در اعتراض به احتمال اخراج تعدادی از کارکنان راه آهن صورت گرفت.

"بحران" ۳۵ هزار شناسنامه قلبی در انتخابات!

در تداوم رسوایی های مربوط به تقلبات گسترده و سیستماتیک در نمایشات انتخاباتی مجلس هفتم، اخیراً اسناد جدیدی دال بر این گونه تقلبات رو شده است. در این رابطه احد خان بیگی، دادستان عمومی اسلامشهر، ضمن اعتراف به "ساخت و جعل بیش از ۳۵ هزار شناسنامه" در جریان "انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی" از این مساله به عنوان "بحران بزرگ" در این شهر نام برد. این مقام رژیم بدون اشاره به هویت جاعلین ۳۵ هزار شناسنامه در جریان انتخابات مجلس - که مطمئناً نمی تواند کار کسی به غیر از باند ها و عوامل مرتبط با محافل قدرت باشد - مدعی شد که "عوامل این اقدام در همان لحظه اول شناسایی شدند" و مورد "برخورد" قرار گرفتند.

(ادامه مطلب در صفحه ۳)

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehqhani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 208 - 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

